

به نام خداوند جان و خرد

آینه چرخ

(فرهنگ لغات، اصطلاحات و ترکیبات دیران فلکی شروانی)

مجتبی عبدالمهی



انتشارات تیرگان

سرشناسه: عبدالمجیب، مجتبی
عنوان و نام پدیدآور: آیینہ چرخ (فرهنگ لغات، اصطلاحات و ترکیبات
دیوان فلکی شروانی)/مجتبی عبدالمجیب
مشخصات نشر: تهران: تیرگان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۶۲ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۲۴-۲۳۸-۸
موضوع: فلکی شروانی، نجم‌الدین محمد، قرن ۴ق. دیوان — نقد و تفسیر
موضوع: شعر فارسی — قرن ۴ق. — تاریخ و نقد
رده بندی کنگره: PIR۵۰۸۳/۵۹۰۸۳ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی: ۸۱۴/۲۳
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۳۶۲۱۷



انتشارات تیرگان

تهران، صندوق پستی: ۱۷۱۸۵-۱، تلفن: ۸۸۸۱۳۰۵۹ و ۹۱۲۶۱۱۱۵۱۲
Email: tati_pub@yahoo.co.ir / www.tiranpub.com

آیینہ چرخ

(فرهنگ لغات، اصطلاحات و ترکیبات دیوان فلکی شروانی)

مؤلف: مجتبی عبدالمجیب

طراح جلد: مریم میرحسینی مطلق

لیتوگرافی: صدف • چاپخانه: صدف • صحافی: صدف

نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۶ • شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شماره نشر: ۴۴۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۲۴-۲۳۸-۸

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

صفحه	عنوان
۵	سراغاز
۲۴	جدول آوانگاری
۲۵	واژه‌نامه
۲۵۸	فهرست منابع

«سرآغاز هر نامه نام خداست
که بی نام او نامه یکسر خطاست»

سرآغاز

توضیح و تفسیر آثار مکتوب به جا مانده از پیشینیان، همواره در طول تاریخ، دارای ضرورت و اهمیت خاصی بوده است، تا جوامع با حفظ آثار فرهنگی و ادبی خویش و نشان دادن اقتدار و سابقه ادبی و فرهنگی خویش، در میان دیگر اقوام سربلند باشند. زیرا ملتی که ادبیات ضعیف و پست به سینه داشته باشد، در مقابل فرهنگ‌های بیگانه، پایدار نخواهد ماند و با کمترین تهاجم فرهنگی، رنگ می‌بازد. ملتی که فرهنگ و ادبیات غنی و پرمایه داشته باشد، می‌تواند به وسیله عناصر ادبی خود، در مقابل فرهنگ‌های بیگانه، اقتدار و استقلال خود را حفظ کند. به همین خاطر، شرح و تفسیر آثار گذشتگان برای فهم و درک بهتر این آثار، همیشه یکی از دغدغه‌های فکری اندیشمندان جوامع بشری بوده است و هر قومی در تلاش است که میراث مکتوب گذشتگان خود را با شرح و تفسیر و قابل فهم کردن آن، برای دوره‌های بعد ماندگار کند. در این آثار ادبی، در میان دیگر اقوام، حرفی برای گفتن داشته باشد.

سابقه دیرین ایرانیان در امر فرهنگ نگاری مسلم است و در زبان فارسی استادان بزرگی عمر گرانبهای خود را صرف نوشتن فرهنگ‌هایی کرده‌اند که همواره در انجام تحقیقات متعدد، چراغ هدایت پژوهشگران ادب فارسی بوده‌اند. «درباره زبان‌های ایرانی، قدیم‌ترین فرهنگ که در دست است، یکی فرهنگ «اویم» است و دیگر فرهنگ معروف به «مناختای» که فرهنگ پهلویک نیز نامیده‌اند و قرآینی هست که هر دو کتاب را در دوره ساسانی و یا شاید در عصری نزدیک به دوره ساسانی تألیف کرده باشند، اما فرهنگ نویسی برای زبان فارسی کنونی تقریباً معاصر با فرهنگ نویسی برای زبان تازی به دست ایرانیان است. زبان کنونی ما که در دوره اسلامی همیشه آن را زبان دری نامیده‌اند و احتمال نزدیک به یقین می‌رود که در دوره‌های پیش از اسلام نیز همین نام

را داشته باشد و از دوره ساسانی مردم ایران که در شمال، مغرب و جنوب ری بوده- اند همه به زبان پهلوی سخن می‌رانده‌اند و آنها که در مشرق ری بوده‌اند به زبان دری سخن می‌گفته‌اند. در دوره اسلامی از زمان طاهریان اندک اندک ادبیاتی به زبان دری پیدا شد و در دوره صفاریان و به مراتب بیشتر از آن در دوره سامانیان، این زبان، ادبیات بسیار وسیع و جالبی پیدا کرده و رفته رفته در قلمرو زبان پهلوی، بیشتر منتشر شده است. در زمانی که زبان دری بنای انتشار را گذاشته است، مردم قلمرو زبان پهلوی، خود را به کتاب‌هایی نیازمند دانسته‌اند که زبان دری را به ایشان بیاموزد و این مقدمه فزاینده نگ نویسی زبان فارسی کنونی، یعنی زبان دری است» (نفیسی، ۱۳۷۷: ۱۸۰).

در دوره اسلامی نیز فرهنگ‌هایی برای زبان فارسی و عربی نگاشته شد. «اگر از فرهنگ‌های پهلوی بگذریم، در دوره اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی (ایران قرن سوم و چهارم و پنجم) نیز برخی از فرهنگ‌ها در دست است که نشان می‌دهد ایرانیان همچنان که در علوم و فنون دیگر، آراهای نمایان کرده‌اند، در امر فرهنگ‌نگاری هم اهتمام ورزیده‌اند و علاوه بر زبان فارسی، برای زبان عربی هم فرهنگ نوشته‌اند. صحاح جوهری (ابونصر اسماعیل بن حماد، در گذشته به سال ۹۸ هـ ق/ ۷۰۷ م) و دیرترها، قاموس فیروزآبادی (مجدالدین محمد بن یعقوب، در گذشته به سال ۸۱۶ هـ ق/ ۱۴۱۳ م) خود از نمونه‌های والای فرهنگ نویسی ایرانیان برای زبان عربی و شاهد گویای مدعای ما هستند... فرهنگ- نویسی که می‌خواهد فرهنگ جامع بنگارند، ناگزیر است از این که از واژگان محمد بن وصیف سگزی و ابوشکور بلخی گرفته تا واژگان -مال- میرصادقی و صادق هدایت را موضوع کار خود بداند و چنین است که در فرهنگ ما این -ناصر زبانی- از یک هزار و صد سال پیش تا امروز در کنار هم قرار گرفته‌اند... از ویژگی‌های دیگر فرهنگ‌نگاری فارسی، وابستگی زبان به فرهنگ پر دامنه و دیرپای ایرانی است. فرهنگ‌نگار ایرانی با میراث فرهنگی بسیار گسترده معطوف به زبان سر و کار دارد که فرهنگ‌نگار یک جامعه زبانی جدیدالواده یا جامعه‌ای که تاریخ دور و درازی ندارد، از آن برکنار است» (انوری، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۲).

از فرهنگ‌های عمومی که بگذریم، به فرهنگ‌های تخصصی برمی‌خوریم که برای متون نظم و نثر نگاشته نشده‌اند. در زبان فارسی آثار گرانقدری از نویسندگان و شاعران ادوار مختلف به جا مانده است که برای درک مفاهیم برخی از واژگان و اصطلاحات آنها نیازمند مراجعه به فرهنگ‌ها هستیم و فرهنگ‌هایی که بر این آثار نگاشته می‌شود، این

امر را برای ما آسان می‌کند و سبب می‌شود که مفاهیم دقیق واژگان و اصطلاحات به کار رفته در این آثار را بهتر درک کنیم و ما را از مراجعه به فرهنگ‌های عمومی بی‌نیاز می‌کند، چراکه در فرهنگ‌های عمومی، معانی عام و رایج واژگان و اصطلاحات ذکر می‌شود و واژگان را در متن خاصی مورد توجه قرار نمی‌دهد.

از جنبه‌های اهمیت فرهنگ‌های اختصاصی، علاوه بر اینکه معانی دقیق واژگان و اصطلاحات را در یک متن برای ما روشن می‌سازد، این است که ما را با دایره واژگان به کار رفته در یک اثر ادبی و در یک دوره زمانی خاص، آشنا می‌کند که در حوزه سبک-شناسی دارای اهمیت ویژه است. همچنین مفاهیم واژگان و اصطلاحات علمی به کار رفته در یک اثر برای ما روشن می‌کند و با علوم رایج آن دوره آشنا می‌شویم و نیز واژگان و اصطلاحات عایینه و آداب و رسوم و لوازم زندگی یک دوره، که در آن اثر ادبی بازتاب یافته است را می‌توان به خوبی درک کرد، در حالی که ممکن است برخی از این واژگان و اصطلاحات در فرهنگ‌های عمومی ثبت نشده باشد یا اینکه کاربرد و معنای خاصی که در یک اثر ادبی بدان اشاره شده است، مورد توجه مؤلفان فرهنگ‌های عمومی قرار نگرفته باشد.

دیوان اشعار شاعران تجلی‌گاه فرهنگ و آداب و رسوم و همچنین اعتقادات و باورهای دوره‌ای است که شاعر در آن می‌زیسته است. با آشنایی با مشکلات دیوان شاعران و شرح و تفسیر آن‌ها می‌توان آینه تمام‌نمایی از اوضاع اجتماعی و سیاسی دوره‌ای که شاعر در آن زندگی می‌کرده، پیش روی داشت و با تأمل در دیوان شاعران و درک اصطلاحات به کار رفته در شعر آنها، حتی می‌توان به روش درسانه که برای درمان بیماری‌ها به کار می‌رفته، آگاهی یافت و از نوع لباس و خوراکشان مطلع شد. به این خود می‌تواند در تحقیقات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی بسیار مفید واقع شود. شاعر بزرگی به شناخت فرهنگ و تمدن جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم. با شرح مشکلات دیوان یک شاعر و توضیح لغات و تعبیرات آن، می‌توان به ویژگی زبانی و اندیشه‌ها و مبانی فلسفی و همچنین ارزش‌های اخلاقی و علوم رایج در جامعه و عصری که شاعر در آن زندگی می‌کرده، پی برد و حتی می‌توان نقاط ضعف و قوت جامعه و کاستی‌ها و پیشرفت‌های نظام حاکم بر آن دوره را شناخت. دیوان یک شاعر، نموداری از عناصر و الگوها و هنجارهای عصر اوست، که شناخت این عناصر و الگوها، بسیاری از ابهامات و مشکلات پژوهش و تحقیق را حل و به تحقیقات تاریخی و اجتماعی و جامعه

شناسی کمک شایانی می‌کند. همچنین می‌تواند در زمینه پژوهش در اعتقادات و مذاهب دوره‌های گوناگون و پی بردن به این که در یک دوره از تاریخ، چه مذهبی رواج داشته و چه عقاید و مذاهبی منع و طرد می‌شده است، بسیار مفید واقع شود. فرهنگ‌های اختصاصی، به خصوص بر دیوان شاعران پارسی‌گوی و بر آثار شاعرانی چون فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ، انوری، سنایی و دیگر شاعران نگاشته شده است، ولی دیوان فلکی شروانی از جمله دیوان‌هایی است که بر آن شرح و توضیح و یا فرهنگی نوشته نشده است.

فانی شروانی از شاعران قرن ششم هجری و مکتب آذربایجان است. «شعر قرن ششم پر از اشارات علمی و تلمیحات شده است، به طوری که اگر از علوم قدیم، مانند: نجوم، معارف اسلامی، ارباب و احادیث بی‌خبر باشیم نمی‌توانیم از عهده فهم شعر برآییم» (شیمسا، ۱۳۸۲: ۱۷۰). «در شعر سبک آذربایجان از نظر فکری فاضل‌نمایی و اشاره به علوم مختلف و تلمیحات گوناگون، از جمله به آداب و رسوم مسیحیت، اشاره به فولکلور و عقاید عامیانه از جمله طب، نجوم و جانورشناسی عامیانه مطرح است، به نحوی که شعر این مکتب، غالباً محتاج به شرح، تفسیر است» (همان: ۱۴۳).

با وجود این، دیوان فلکی شروانی از جمله دیوان‌هایی است که در آن، اصطلاحات علمی به ویژه نجوم و اصطلاحات دینی و تلمیح به وقایع دینی، تاریخی، اساطیری و آیات قرآنی، بسیار به کار رفته است و برای فهم دقیق مطالب آن نیازمند مراجعه به فرهنگ‌ها هستیم و در این مورد، نگارش فرهنگی نه شکلات این دیوان را شرح دهد، ضروری می‌نماید.

درباره فلکی شروانی و زندگی او مطالب زیادی در منابع نامدرسه آنچه که ذکر شده به طور خلاصه از این قرار است: «بونظام محمد فلکی شروانی، از مردم شماخی (زاده شده نزدیک ۵۰۱ هـ/ ۱۱۰۷ م. وی میان سال‌های ۵۵۱-۵۴۹ هـ/ ۷-۱۱۵۴ م. هنوز زنده بوده) که آموزش و پرورش آزادمنشانه به ویژه در اخترشناسی داشت و رساله‌ای دانشورانه در این باره نگاشت. نامواره (تخلص) او نیز به ظاهر از همین دانش برگرفته شده است» (ریپکا، ۱۳۸۲: ۱/۳۸۲). «فلکی فن ادب و شعر را مانند خاقانی از ابوالعلای گنجوی آموخت و بنابراین، آنان که او را استاد خاقانی می‌شمردند به اشتباهند، وفات او را آذر به سال ۵۸۷ نوشته و بعضی دیگر مانند صادق بن صالح در شاهد صادق، ۵۷۷ ثبت کرده‌اند. دیوان فلکی را تا هفت هزار بیت نوشته‌اند ولی آنچه در دست است به دو

هزار بیت نمی‌رسد و از این مایه شعر دریافته می‌شود که او گوینده‌ای نازک خیال و خوش عبارت بود و از سخن معقد مغلق که شیوه معاصران او در شروان و آذربایجان بود، دوری گزید و به سهولت کلام و روانی سخن متمایل بود و از میان اشعار او، آن‌ها که در حبس شروانشاه سروده، لطف و اثری خاص دارد. زیرا او هم مانند خاقانی، به زندان شروانشاه افتاد و به تهمت افشای اسرار، چندی در بند آهنین بود تا عاقبت، پادشاه او را بخشید و از زندان رهایی داد» (صفا، ۱۳۷۱: ۲/۴۴۷).

نگاهی به آثار فلکی شروانی:

۱- کاربرد واژگان و اصطلاحات نجومی

فلکی شروانی از شاعران جوانای قرن ششم و مکتب آذربایجان است. دیوان فلکی از لحاظ اشتقاق بر لغات و اصطلاحات علم نجوم درخور توجه و دارای اهمیت بسیار می‌باشد و نشان آشنایی شاعر با این علم است که به گفته یان ریپکا: «نامواره» (تخلص) او نیز به ظاهر در زمین دانش برگرفته شده است» (ریپکا، ۱۳۸۲: ۱/۳۸۲). در اینجا، برای نمونه، مواردی از کاربرد واژگان علم نجوم در دیوان این شاعر می‌پردازیم.

الف- بیان دانسته‌های علم نجوم

هرچند کاربرد بسیار لغات و اصطلاحات علم نجوم، دانش شاعر را در این عرصه نشان می‌دهد، از دیگر موارد کاربرد لغات و اصطلاحات نجومی در دیوان فلکی، بیان اطلاعات علمی اوست که به این طریق می‌خواهد از دانسته‌های علمی خود در شعرش بهره ببرد که چند نمونه از آن را ذکر می‌کنیم:

مدام تا شود از سایه جرم ماه سیاه به عقده ذنبی و عقده رأسی
(فلکی، ۱۳۴۵: ۷۷)

در اینجا فلکی به پدیده ماه گرفتگی اشاره می‌کند که به عقیده او ناشی از افتادن سایه بر جرم ماه است و نظر جالبی را بیان کرده که در میان شاعران، کسی به آن اشاره نکرده است. در تأیید نظر فلکی ماه گرفتگی را شرح می‌دهیم: «هنگامی که ماه، زمین و خورشید روی یک خط و زمین بین ماه و خورشید قرار می‌گیرد، سایه زمین روی ماه می‌افتد و سبب تاریک شدن بخشی یا همه

قرص ماه می‌شود، این پدیده را ماه گرفتگی یا خسوف گویند» (ملک‌پور، ۴۹:۱۳۸۷).

در دیوان شاعران هم عصر فلکی، چون خاقانی و نظامی نیز چنین نظر دقیق علمی بیان نشده است، بلکه برای این پدیده، دلیل خرافه‌ای بیان کرده‌اند. «در باورهای عامیانه آمده است که ماه به هنگام خسوف به کام اژدهای موهوم فلکی تنین می‌رود، به این علت در هنگام گرفتن ماه، بر بام خانه‌ها طشت می‌زدند تا سبب رهایی آن شود» (مصطفی، ۶۹۳:۱۳۸۱):

گرچه گهری گرانبها بود چون مه به دهان اژدها بود

(نظامی)

بهرین آن عمل رضا داد ماه را به دهان اژدها داد

(تحفته العراقین خاقانی)

خورشید، منبع نور ماه

در بیت زیر، فلک در بیان اطلاعات علمی خود می‌گوید که ماه از خود نوری ندارد و نور خود را از خورشید می‌گیرد و این نظری درست است زیرا همان طور که در مثال قبلی ذکر کردیم، ماه به گرفتگی و تاریک شدن ماه، افتادن سایه بر روی ماه است و این سایه، ناسی از نوریدن نور خورشید به ماه است که قرار گرفتن زمین بین آن دو موجب این امر می‌شود.

خور گرچه نور بخشد هر ماه ماه را دید به پیش صد راه، راه را

(فلکی، ۱۳۴۵: ۹۸)

گردش خورشید و تغییرات آب و هوایی

گردش خورشید در برج‌های دوازده‌گانه باعث تغییرات آب و هوایی در طبیعت می‌شود. و «هریک از تقسیمات دوازده‌گانه فلک در مسیر سالیانه گردش ظاهری خورشید به دور زمین، با توجه به صورت فلکی مربوط به خود، نام‌گذاری شده است. این تقسیمات بر اساس سال خورشیدی صورت گرفته و تک تک برج‌ها با ماه‌های دوازده‌گانه تقویم ایرانی تطابق کامل دارند» (سرمدی، ۳۸:۱۳۸۱). صورت فلکی «حوت» مربوط به اسفندماه و «حمل» مربوط به فروردین ماه است که فلکی برای بیان اطلاعات علمی خود از برج‌های

آینه چرخ ۱۱

دوازده گانه، این دو را به جای ماه‌های خورشیدی ذکر کرده است. این امر را فلکی در بیت زیر بیان کرده است:

چون نقطه نور سپهر آید ز حوت اندر حمل پوشد چو جنت باغ را حالی و حلی و حل
(فلکی، ۱۳۴۵: ۴۰)

ب- باورهای عامیانه در مورد سیارات و ستارگان و تأثیر آنها بر زندگی

در باور عامه، عطارد را دبیر و نویسنده فلک می‌دانند. این باور در شعر فلکی و در بیت زیر، نمود یافته است:

تیر از زبان تیغ مانیس بر فلک زی خطه امان، همه خط امان نوشت
(همان: ۸۸)

در باورهای عامه، به اتات و حوادث زندگی را ناشی از تأثیر نجوم و فلک بر زندگی می‌دانستند. فلکی در ابیاتی این موارد را بیان می‌کند. چرخ را حسود می‌داند و حسادت آن را باعث جدایی او از ممدوح می‌داند:

از بسکه برد چرخ ز پیوند جدا شد چرخ حسود قاطع پیوند ما شده
تیمار دل افزود مرا چرخ جفا جری تا من ز تو ای یار وفادار شدم دور
(همان: ۱۰۳)

به نحس و سعد بودن ستارگان و تأثیر آنها بر زندگی اشاره می‌کند و از این که ستارگان نسبت به او نظر مساعد ندارند، گله می‌داند:

جز به تأثیر نحس انجم را نظری سوز روزگارم نیست
(همان: ۲۳)

در بیت دیگری می‌گوید:

اختر کامم فتاد اند هبوط و اختر بد کرد در عالم مقام
(همان: ۵۳)

بیت زیر اشاره به این باور دارد که ستارگان نور خود را از خورشید می‌گیرند. خورشید ملک شاه منوچهر بر فلک بی وجود او وجود کواکب عدم شود

(همان: ۸۹)

البته این باور را منابع نجومی رد می‌کنند و منشأ نور ستاره را فعالیت‌های درونی آن می‌دانند، در فرهنگ اخترشناسی در توضیح ستاره آمده است: «گوی

آتشین بسیار عظیم و فروزانی که بر اثر فعالیت‌های درونی خود، درخشش می‌یابد» (سرمدی؛ ۱۳۸۱: ۱۰۹).

ج- خودستایی

فلکی نیز همچون دیگر شاعران مکتب آذربایجان، به شعر خود می‌نازد و در پانزده بیت از دیوان خود، شعر خود را ستوده و از آن با عنوان «سخن خوش، سخن گرم، غزل لطیف و غزل خوش» و امثال آن نام می‌برد، اما زیباترین بیتی که شاعر در آن از شعر خود تعریف و تمجید کرده، بیتی است که در آن برای نشان دادن مقام شاعری خود و بیان تأثیر شعر خود، از اصطلاحات نجومی بهره می‌گیرد و می‌گوید:

از بسکه احسن شعر من اندر ثنای شاه
بر چرخ رفت، زهره سوی چنگ، چنگ برد
(فلکی، ۱۳۴۵: ۹۸)

فلکی در این بیت تأثیر سخن خوش شعر خود را بیان می‌کند و می‌گوید: لحن شعر من چنان خوش است که حتی زهره که خنیاگر فلک است، از آن به وجد آمده و قصد چنگ نوازی در آسمان را دارد.

د- واژگان نجومی و آرایه‌های ادبی

فلکی در دیوان اشعار خود، واژگان و اصطلاحات علم نجوم را به طرز استادانه‌ای به کار برده است و از آنها برای ایجاد صنایع بدیعی مانند: ایهام، مراعات النظیر و جناس و نیز برای ایجاد صنایع بیانی مانند: انبغ و تشبیه که در دیوان او دارای بسامد بالایی است، بهره فراوان گرفته است. به گونه‌ای که حدود بیست و نه درصد از ابیات دیوان او، ابیاتی است که دارای واژگان و اصطلاحات علم نجوم می‌باشد. در اینجا برای روشن شدن این امر بر خواننده، نمونه‌هایی از این آرایه‌ها که با واژگان نجومی ساخته شده‌اند، بیان می‌شود:

تشبیه

فلکی در ساختن تشبیهات شعر خود از واژگان علم نجوم بهره زیادی برده است به گونه‌ای که هشت درصد از مجموع ابیات دیوان فلکی دربردارنده تشبیهاتی است که به وسیله لغات و اصطلاحات نجومی ایجاد کرده است و تقریباً در پنج و نیم درصد از این ابیات، اصطلاحات نجومی «مشبه‌به» تشبیه قرار گرفته و در دو و نیم درصد آن «مشبه» واقع شده‌اند. این بسامد بیانگر توجه فلکی به کاربرد اصطلاحات نجومی می‌باشد. به نمونه‌هایی از این تشبیهات در ابیات زیر می‌پردازیم.

همچون مه دوهفته تائی به حسن لیکن همچو هلال طلعت فرخنده فال داری
(همان: ۸۴)

در بیت دیگر می‌گوید:
آن عارض دو هفته ماهش بین و آن طره گوشه کلاهش بین
(همان: ۱۰۴)

در ابیات بالا زیبایی چهره معشوق را به ماه شب چهارده تشبیه کرده و نیز در مصرع دوم بیت اول به هلال ماه تشبیه کرده است و در بیت زیر، رخ معشوق را در زیبایی به آفتاب صبحگاهی تشبیه کرده و شکن زلف او را از لحاظ خمیدگی به ماه نو تشبیه کرده است.

چو آفتاب رخ خوب او به اول روز چو ماه نو شکن چمد او در اول ماه
(همان: ۵۸)

در بیت زیر برای توصیف زیبایی چهره معشوق، با به کار بردن لغات نجومی (قران، زهره، عقرب، زحل) تشبیه مرکب زیبایی ساخته است:

خال تو بر طرف لب در سایه زلف چو شب گویی قران کرد ای عجب با زهره در عقرب زحل
(همان: ۴۱)

استعاره

استعاره نیز از دیگر صناعات ادبی است که فلکی با استفاده از واژگان نجومی ساخته است. در بیت زیر، «آفتاب» استعاره از چهره معشوق است:

گرچه ز ظلمت رسید خضر به آب حیات دوش به من ز آفتاب چشمه حیوان رسید
(همان: ۳۱)

ایهام تناسب

فلکی در این بیت با هنرمندی شاعرانه و استفاده از لغات نجومی، صنعت
ایهام تناسب را ایجاد کرده است:

خان و خیل چرخ را شه خیل و خان آراسته تا به ماهی و بره کردست خوان آراسته

(همان: ۶۷)

در این بیت میان کلمات ماهی و بره صنعت ایهام وجود دارد و معنای
نخست آنها همان ماهی و بره می‌باشد که از گوشت آنها به عنوان خوراک
استاده می‌کنیم و معنای دوم آنها که با چرخ در مصراع اول تناسب دارد، صور
فلکی (حوت و حمل) هستند.

مراعات نشر

از دیگر صنایع باستانی دیوان فلکی که با استفاده از نام اجرام آسمانی و
لغات نجومی بوجود آورده صنعت مراعات النظیر است.

چرخ و نجوم و مهر و مه بر در ناگاه شه بوسه زنان به خاک ره چون رهیان یکدله

(همان: ۶۰)

در این بیت میان «چرخ، نجوم، مهر، مه»، مراعات النظیر ایجاد کرده که نام
اجرام آسمانی هستند.

همچنین در بیت زیر میان کلمات «محیط، نقطه، پرگار، قطب، مرکز و
محور» مراعات النظیر وجود دارد.

زهی شاهی که در حکم تو هست اشکال عالم را محیط و نقطه و پرگار و قطب و مرکز و محور

(همان: ۳۹)

لف و نشر

لف و نشر نیز از صنایع بدیعی است که فلکی با استفاده از لغات نجومی ایجاد
کرده است.

شده بهرام و مهر و شید و ناهید و سپهر او را سپهسالار و صاحب سر و مدحت خوان و خنیگر

(همان: ۳۸)

جناس

در بیت زیر «مشتري» در اول مصراع دوم به معنی طالب و خریدار و در آخر همین مصراع، به معنی سیاره مشتری است که جناس تام بوجود آورده است.
ای شده نعل سم اسب تورا مشتری از چرخ به جان مشتری
(همان: ۷۸)

در بیت زیر «مشتري» در مصراع اول به معنی طالب و خریدار و در مصراع دوم به معنی سیاره مشتری است که جناس تام بوجود آورده است.
مشتري را چو ماه تواند روز و شب از چرخ مه و مشتری
(همان: ۷۷)

در اینجا «روز» به مناسبت چرخ و مه و مشتری آمده است، اما کارکرد مناسبی ندارد، چون ماه و ستری، هیچ کدام نمی‌تواند در روز، خود را نشان دهد و نمایان شود و به خوابی که شاه بیاورد پس می‌توان گفت در اینجا شاعر بیش از معنی به لفظ توجه دارد.

۲- نگاهی به کاربرد تلمیح در دیوان شکی

تلمیحات دینی و تاریخی در شعر و ادب فارسی تاریخ دیرینه‌ای دارد و شاعران از این تلمیحات برای مقاصد مختلف استفاده کرده‌اند. این امر، بیان‌کننده تأثیر اساطیر و وقایع و داستان‌های تاریخی و دینی بر آموزه‌های دین بر ادب فارسی به ویژه اشعار شاعران در ادوار مختلف است. تلمیحات دینی و تاریخی در دیوان فلکی شروانی بازتاب گسترده‌ای دارد. «یکی از عناصر مهم خیال شاعرانه، اسطوره است. اگر دیگر عناصر خیال را ذهن شاعر باید بسازد، این شعر از قبل ساخته و پرداخته و آماده بوده است و فقط شاعر در کاخ بلندی که از نظم پی می‌افکند، از آن به عنوان مصالحی باید سود جوید... اما برداشت و طرز تلقی شاعران از اسطوره‌ها همچنان که از نظر تاریخی به جو سیاسی و اجتماعی و محیط زندگانی ایشان بستگی دارد، به میزان هنرمندی و قدرت تخیل ایشان نیز وابسته است... بهره‌ور شدن از اساطیر، به ویژه در تصویرهای شعری گویندگان قدیم یکی از مباحث قابل ملاحظه‌ای است که می‌تواند موضوع بررسی وسیعی قرار گیرد» (اردلان جوان، ۱۳۷۳: ۴۱-۴۲).